

نامه‌های رسیده

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر ازهای

رئیس محترم سمپاد

با سلام و احترام، در جریان دو سفری که در هفته‌های اخیر به شیراز و همدان داشته‌ام، از خلال گفتگو با مدیران، معلمان و دانش‌آموزان مدارس سمپاد، به دو نکته برخورد کردم که به نظر مفید است به نوعی در مجله سمپاد انعکاس یابد.

۱. به دلیل تغییر سبک سؤالات آزمون ورودی سمپاد، به ذهن برخی همکاران سمپاد چنین خطور کرده است که در سالهای اخیر، تعدادی از سؤالات آزمون‌های ورودی سمپاد، فاقد گزینه صحیح است و امتیاز آن سؤالات را کسانی کسب می‌کنند که این سؤالات را بی‌جواب بگذارند! گویا تبلیغات برخی بنگاه‌های به اصطلاح «تقوینی کنکور تیزهوشان» یا «تضمینی!» کنکور تیزهوشان، در این زمینه بی‌تأثیر نیست!

۲. مدیران محترم مدارس سمپاد، از سوء استفاده‌های برخی از مؤسسات برگزارکننده کلاسهای کنکور سمپاد که با شیوه‌های مختلف مشغول سوء استفاده از بی‌اطلاعی اولیای دانش‌آموز علاقمند به تحصیل در مدارس سمپاد هستند، به شدت گلایه‌مند هستند. نمونه خیلی خاص این مؤسسات سوء استفاده کننده، «آکادمی تیزهوشان (آیندگان)» است که در اقدامی جالب توجه (۱)، ضمن ارسال نامه تریک به نشانی منزل پذیرفته شدگان مرحله اول آزمون ورودی سمپاد، چنین وانمود می‌کند که مؤسسه‌ای وابسته به سمپاد است و برای برگزاری کلاسهای دو تا سه هفته‌ای آمادگی کنکور مرحله دوم، مبالغ آنچنانی از خانواده‌های فریب خورده به جیب می‌زند! جالب اینجاست که جو تبلیغاتی ایجاد شده

توسط این مؤسسات درباره تأثیر بدون ردخور و تضمینی کلاسهایشان چنان شدید است که حتی تعدادی از همین مدیران گلايه‌مند مدارس سمپاد نیز فرزندانشان را در این مؤسسات ثبت نام می‌کنند. فرمود: «هرچه بگذرد، نمکش می‌زند...»

با مذخوراين بابت تصدیق
رضا گلشن مهرجری

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان - جناب دکتر اژه‌ای
با سلام، من یکی از دانش‌آموزان مرکز آموزشی فرزاتگان ... هستم، شاید باور نکنید ولی مدتهاست می‌خواهم حرف بزنم ولی همیشه فکر کردم شاید شما هم اهمیت ندهید و شاید دیگر کسی سرش برای اینگونه حرفها درد نگيرد ولی باور کنید فکر مرا مشغول کرده است و شما به عنوان پدر سمپاد و یک روحانی بزرگوار باید به فکر مرا کزی که خود برای آنها زحمت کشیدید باشید.
دختری دردمند که فکر کردم تنها جایی که راحت می‌توانم درد دل کنم با شما بود. دکتر، در مدرسه ما خیلی مشکل هست اما واقعاً مشکلات اساسی زیادند از جمله اینکه دیگر در مدرسه چیزی به نام ارزش، چیزی به نام مقررات وجود ندارد و هرکس هرکاری بخواهد می‌تواند انجام دهد نه رعایت حجاب نه اجرای نماز نه صحبت از دین و هر چیزی شبیه به اینها گفته شده است، دو ماه از شروع سال گذشته، ما هنوز مری پرورشی نداریم، مسئله نماز جماعت و خیلی مسائل که شاید بسیاری خنده‌شان بگیرد. مشکل حاد ما اهمیت ندادن مدیریت به اخلاق و ارزشها می‌باشد، وقتی مدیریت حاکم بر یک مرکز، خود اصلاً احترامی به ارزشها و مسائل دینی نمی‌گذارد باید چنین انتظاری داشت که جو حاکم بر مرکز چنین شود. آقای دکتر من حتی تابستان به اداره رفتم نه من بلکه عده‌ای از دانش‌آموزان، و قول دادند که تغییر و تحولی شود ولی هیچ اتفاقی نیفتاد انگار برای همه حتی خدای نکرده برای شما هم دیگر چنین حرفهایی گفته شده است. حتماً شما دوست دارید بچه‌ها تان در این مراکز «هویت دینی و ملی» خود را از دست ندهند. باور کنید فکر و ذکر بچه‌ها موبایل و پارک رفتن و غیره می‌باشد. در شهر ... که حرف نبوده، بچه‌های مرکز شب به پارک رفته و باهم وعده می‌گذارند که خود بهتر می‌دانید ... و این باعث آفت مرکز از نظر آموزشی و پرورشی می‌شود.

دیگر هیچ کس اهمیت به حرف من و امثال من نمی‌دهد. آقای دکتر اگر نتیجه‌های کنکور امسال را ارزیابی کنید متوجه می‌شوید که نبود یک مدیریت و یک جریان فکری بالارزش در جو مدرسه چنین پیامدی به همراه دارد. آقای دکتر از دیران دینی چیزی نمائنده جز یک مجسمه‌ای که فقط صحبت از دین می‌کنند نه عمل، ... خودتان بهتر می‌دانید ما بچه‌های تیزهوش هر چیزی را به سادگی نمی‌پذیریم. آقای دکتر اژه‌ای؛ دلم از بی‌عدالتی زیاد در این مرکز گرفته، بچه‌های مستضعف جایی ندارند، بزرگ

برنده یا بچه‌هایی است که ثروتمندند؛ بچه‌هایی که مادر یا پدر آنها عضو انجمن اولیاء و مربیان هستند هرکاری بکنند خُرده‌ای نیست، هر نمره‌ای بخواهند می‌گیرند. اختیار خیلی از کارها در دست دختر مدیر است که در آنجا درس می‌خواند ...

دیران خوب، مربیان خوب و همه آنهاهی که در سالهای گذشته به فکر خدمت بودند رفته و می‌روند و تنها فرزندان و وسیله‌ای شده برای تعریف‌های دروغ مدیر و کادر اجرایی و متأسفانه وسیله‌ای برای کسب درآمد کسالی دیگر.

جناب دکتر آزادی در پایان از شما انتظار دارم به عنوان پدر دلسوز سمپاد، به فکر حل مشکلات مرکز ... باشید.

با تشکر از زحمات شما
ان-م از فرابانگان ...

● استعدادهای درخشان: وقتی مرکز استان به جای توجه به مسائل آموزشی مشغول دوخت و دوز برای تیرهای مفید و فعال است، عزیز من فکر می‌کند مرکز دخترا... سمپاد شهر شما بهتر از این شود. دهان سمپاد از فشارهای استان شما به مراکز سمپاد بسته است.

«به نام آئی که قلم را آفرید»

حاج آقا آزادی، سلام علیکم (ا ببخشید «سلام» رو باید به خط پایین تر می‌نوشتیم!!!)
خوبید حاج آقا!!!!

به نکته‌ای، اگر این نامه رو هرکس بجز آقای جواد آزادی می‌خونه، قریون ذشیت، مسخره بازی در نیار پرونده دست خود دکتر. بنده، شاگرد (!) شما «ک.ر. هستم» (خوشبختم از آشنایتون) عریض بنده زیاد ددهدهده، ولی خداوند تکلیک خلاصه نویسی رو براهم چنین روزی آفریده. خب برهم سر اصل مطلب:

۱. می‌دونم این نامه هیچ جا چاپ نمی‌شه (چون ماشالله خیلی رسمی می‌نویسم)
۲. ببخشید آگه شوخی می‌کنم (هرچی باشد شما روحانی هستین و کلی واسه ما ارزش دارید).
۳. آگه عصبانی شدید قریون دستتون: الف - به آقا داداشتون نگید که میان در کلاس می‌زنن تو سر ما! ب - دستور اخراج من رو صادر نکنید که می‌میرم!
۴. از اینجا اصل مطلب شروع میشه، من سال سوم دبیرستان هستم، رشته تجربی، مرکزم رو هم آدمی به باهوشی شما (هرچی باشد رئیس (مثلاً) باهوش‌هاید دیگه !!!) حتماً تا حالا فهمیده دیگه اصفهان (بهرم دیگه !!!) واه ... از شما بعبده، دکتر، خیر سرم می‌خوام العیباد زیست بخونم، خوب واسه

این کار به سری کتاب می‌خوام ... کتاباش گرونه ... کتاباش خیلی گرونه ... آگه آقا داداش اومدن دم دفتر گفتن: داداش پول بده این پسر دست بردار نیست ...!!!!، خیلی تعجب نکنید ...

متوجه شدید؟ ما به سری کتاب می‌خواهیم، نامه دادیم به آقای اژه‌ای (محمد) تا برامون بگیرن، ولی متأسفانه، گرون پس خواهشندیم کمک کنید (به ما نه به آقای اژه‌ای (محمد)) یعنی به ندایی چیزی بدید برادر گرامی تا حتماً بخون !!! البته به یمن تکنولوژی (فناوری) احتمالاً وقتی نامه من برسد دست شما، من فارغ التحصیل شده‌ام !!!

۵. می‌خوام به خورده تعریف کنم از مجله ... آخر خداییش (خدا همونه که قلم رو آفرید ...!!!!) این شد مجله؟ (!!!) نه، از اون لحاظها ... از کدوم؟ از نظر؟ از این نظر که الان ۸۶۷/۱۳ هست و من دارم شماره ۶۱ رو می‌خونم ... مال فروردین و اردیبهشت، آخریه خورده زود برسونید ... مثلاً مصاحبه کردید با رتبه‌های برتر کنکور، اون وقت کنکوری‌های امسال سرکلاس دانشگاهن (!!!)

۶. ولی با این وجود مجله تویی داریم (دارید) آقا ... من همی باید معذرت خواهی کنم ... شرمندهام ... من شما رو جدی، مثل بابام فرض کردم ... (چه لوس)

۷. موقع خوندن نوشته‌های اینجا ... به حس نو متالوزیک خیلی مشکل دارم ... فکر کنید ... کیا اینارو خوندن ... همه (شاید اکثر) طلاهای دوره‌های قبل ... وضاحان (امیرخانی دیگر (!!!) همه برویجه‌های باحال و توپ ... (شاهد تفاوت فرهنگی شمارو با حقیر می‌بینم)!!! (از لحاظ دایره لغات است)

۸. به قول یکی از اساتید (دوستان) (پروبیج) ... به این رتبه ۱ و ۲ و ...ها بگید: نامردا ... به خورده کم‌تر گازشو بگیرید، تا ما معمولی‌ها، این قدر اذیت نشیم ... این امر در دبیرستان و راهنمایی ما به خوبی واضح است. البته من از اونایی نیستم که اذیت شم ولی از اونایی که اذیت می‌کنن هم نیستم.

ولی خب اون رفیق راست می‌گفت ...

۹. سعی کنیم (کنید) که ما هم مثل علامه حلی باشیم، سه سال بازی + لذت + جوونی (!!!) و به سال (پیش دانشگاهی) درس خوندن، موافقید؟

- بله، خب خوبه پس دست به کارشیم؟ ok، قدم اول با شما، بیاید اصفهان

بلی، چرا جواب تکراری می‌دید؟!!! همون دستورالعمل بالا، سخن‌رانی کنید.

۱۰. خداییش ها ... چرا اصفهان نمی‌یاید؟ من شمارو از نزدیک ندیدم تا حالا!!! زشته آدم باباشو به بار حتی به بار هم ندیده باشه ... بیاید دیگر ... این دعوت رسمی یکن پسر از پدرش بود ...

۱۱. حرف زیاده، وقت شماکم، خط من بد ...

فقط و فقط و فقط آقای جواد اژه‌ای نامه را بازکنند.

دکتر ببخشید، آگه خودمونی حرف زدم ... این نامه رو به عنوان نامهٔ یک بچه به باباش بخونید.

مولا خفا (فرشتهٔ نغم !!) حافظ
کدورت ۳۱، دبیرستان شهید لاهی

● استعدادی درخشان، مجله، آثر ماه سوم هر فصل زیر چاپ می‌رود، لذا اول فصل بعد، از چاپ خارج می‌شود که در مورد مجله بهار شما حتماً رفته بودید کمی مرخصی، این شماره هم در زمستان به دست همه می‌رسد، به مدیر مدرسه‌تان هم همانوقت سفارش‌تان را یا سفارش‌تان شده، کار خودتان را بکنید به علاقه‌حلی‌ها کاری نداشته باشید، سفر رئیس سپید هم به اکثر مراکز سپید کم شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با سلام و عرض ادب خدمت پدر محترم همهٔ ما سپیدهای‌ها جناب آقای دکتر اژه‌ای امیدوارم مزاحم اوقات شریف جنابعالی نشده باشم. این نامه در اصل دویمین نامهٔ من به جنابعالی است. نمی‌دانم یادتان می‌آید یا نه؟ من همان فرشتهٔ دولتی دانش‌آموز مرکز استعدادهای درخشان فرداگان شهریار هستم که به رشته‌های فنی علاقه‌مند بودم ولی اکنون نظرم عوض شده با کمی فکر و با راهنمایی شما فهمیدم که رشته‌های ریاضی، فیزیک و تجربی برای من خیلی بهتر از رشته‌های فنی است. زیرا با رشته‌های ریاضی، فیزیک و تجربی بهتر می‌توانم به اهدافم برسم و این رشته‌ها برای دانش‌آموزان سپید مناسب‌تر است.

به علاوه می‌خواستم از مدیر شریفان و هم چنین از دبیر محترم ریاضی مرکز، تشکر فراوان به جا آورم.

راستش وقتی شنیدم که نامهٔ اول در مجلهٔ استعدادهای درخشان چاپ شده بسیار خوشحال شدم. هم چنین از نص و نیش که مرا مطلع ساختند متشکرم.

وین الله توفیق
فرشته دولتی دانش‌آموز مرکز سپید (شهریار)
(کلاس دهم راهنمایی)

● استعدادی درخشان: بوی ما روشن شد که مجله در مدرسهٔ فردگان شهریار جای درست و حسابی ندارد.

بِسْمِ تَعَالَى

مسا نه‌وندان ریاضیم و حریرفان نفاق آن که او عالم سزوست بدینحال گو است

فی ایزد بگذاریم و به کس بد نکنیم
استاد فرزانه و ارجمند جناب آقای دکتر ازهای
همکاران گرامی سجاد

و ان چه گویند درو آئینست نگوئیم روست

حال که به حکم تقدیر الهی و به جرم صیانت از مقررات و قوانین سجاد از ادامه همکاری با شما محروم گردیده‌ام، آرزومندم که قصور و کوتاهی این خدمتگزار را مورد لطف و کرم و عفو خویش قرار داده و در این برهه از زمان، بیش از گذشته به تربیت انسانهایی لایق و اندیشمند برای خدمت به ایران عزیز همت گمارید، گرچه اینجانب در این مدت کوتاه نتوانستم آن چنان که در خور عظمت سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان است؛ مشر نمر باشم، لکن از اینکه مرا به عنوان یک سجاد پذیرفته‌اید متشکرم. و به رسم یادبود ابیاتی چند که بیانگر عشق و علاقه من به سجاد است از زبان شاعری خراسانی تقدیم می‌نمایم:

چشم، مخصوص تماشا است اگر بگذارند	و تماشای تو زیباست اگر بگذارند
سند عقل مشاء است همه می‌دانند	عشق اما فقط از ماست اگر بگذارند
من ز اشنهار نظرهای دلم فهمیدم	عشق هم صاحب فتوی است اگر بگذارند
دل سرگشته من اینهمه پیوده مگرد	خانه دوست همین جاست اگر بگذارند
بسغض آلوده نگاهم مکنید ای یاران	دل من سال شماهاست اگر بگذارند

حق یاران باد
کرمان، سیدباد ملک، ۸۶۷۱۰
۲۱ رمضان السیبری ۱۳۲۸

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر ازهای
با اهداء سلام و عرض خسته نباشید:
احتراماً بدین وسیله ضمن تشکر از زحمات شما، مقابلاً بیستمین سالگرد تأسیس سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان را به شما برادر بزرگوار و کلیه همکاران سجاد، صمیمانه تهنیت عرض نموده و از ایزد متعال عمری طولانی و با عزت، توأم با سلامتی و توفیقات روز افزون برایتان آرزومندیم.

جا دارد که مراتب قدردانی خود را نسبت به برگزاری کنگره قرآنی در رشت اعلام نموده و از اینکه در بین دانش آموزان ارومیه یکی به نام ر... که از هر نظر تحت پوشش مدرسه بوده و ساکن روستای

اینگدیرو هر روز مسافتها را را پیاده، مقداری با اتوبوس و حتی بعد از رسیدن به شهر با تاکسی به مدرسه می‌آید، پدرش کارگر و مسن و از کار افتاده و از نظر ومع مالی بسیار ضعیف می‌باشند و عجیب اینکه در اکثر مسابقات علمی از دانش‌آموزان ممتاز مدرسه بوده و از اینکه خیر موفقیت ایشان را در رشته «معارف قرآنی» اعلام نمودیم با تشویق بسیار گرم دانش‌آموزان روبرو شده و ... از ذوق اینکه با هوایما به رشت سفر خواهد کرد و ... اشک در چشمانش حلقه بست و الحمدلله روزهای بسیار خوبی را در زیبا کنار رشت داشتیم و این جای شکر دارد که خداوند منان توفیق خدمت به اینگونه دانش‌آموزان را نصیبان کرده و مطمئناً دعای خیر همه این عزیزان سالهای سال بدرقه راه شما خواهد بود.

خداوند پرور باد

ط. ن. قزاقگان ..

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر اژه‌ای، ریاست محترم استعدادهای درخشان

با عرض سلام، من یک دانش‌آموز کلاس سوم راضی‌ام یکی از مدارس عادی ناحیه ۳ مشهد می‌باشم که در آزمون ورود به دبیرستان شرکت نمودم و به نمایندگی از طرف عده زیادی از همکلاسیهای مدارس عادی تقاضای دارم که امیدوارم مورد توجه شما قرار بگیرد و آن این است که ما پس از رد شدن در کنکور کلاس پنجم، سه سال متوالی همبای شاگردان مراکز استعدادهای درخشان در مدارس عادی با امکانات کمتر و کلاس‌های تست کمتر، تلاش فراوان نمودیم تا معلومات خود را به پای بچه‌های مرکز و شاید بالاتر از آنها برسانیم، حال که تحقیق کرده‌ایم می‌گویند آقای دکتر اژه‌ای به شاگردان مراکز خودشان اولویت بیشتری می‌دهند و طبق اظهار مدیران و معلمان مراکز، شاگردانی با سواد و تلاش و استعداد کمتر، خیلی راحت از این اولویت برخوردارند و در مرکز ادامه تحصیل می‌دهند در حالیکه دانش‌آموزان مدارس بیرون از مرکز که پشتکار و علاقه و شاید استعداد بهتری دارند به مرکز راه نمی‌یابند (در مرکز شماره ۱ حدود ۳۰ نفر از ۱۰۰۰ نفر). حال از شما پدربزرگمان استدعا داریم که عدالت علی (ع) را در نظر داشته باشید و فقط از روی اولویت نمره آزمون برای دبیرستان‌گزینش کنید. ما هم تلاش کرده‌ایم، مطالعه کرده‌ایم دوست داریم در محیط علمی بهتری رشد پیدا کنیم، ما هم دلمان می‌شکند، ما هم توی ذوقمان می‌خورد. از پایدال شدن حقمان و از منطلق ناعادلانه شما که بچه‌های مرکز نباید بیفتند، مگر موارد حاد انضباطی و نظر مثبت مدیران مراکز، نمره ضعیف آنها را می‌پوشاند، از این ظلم، به خدا، و ماکه در مشهد هستیم به امام رضا (ع) پناه خواهیم برد و

ادعای دین و حق‌کشی خواهیم کرد. ما هم بچه‌های این مملکت هستیم. بیایید انقلابی بکنید، سنت غلط را بشکنید و فقط و فقط از روی نمره آزمون، گزینش کنید تا عدالت برقرار باشد و کسی آهی نکشد و ما هم شما و بچه‌هایتان را دعا کنیم. متشکرم

شهادت، ع.

● استعدادهای درخشان: ککورد و رودبه دبیرستان‌های سسماد تکمیلی است؛ یعنی با افزایش ظرفیت کلاس، به همان نسبت از بیرون پذیرش صورت می‌گیرد. البته اگر انتقالی به شهرها یا مراکز دیگر هم داشته باشیم جای آنها هم دانش‌آموز اضافی می‌گیریم. در بسیاری از شهرها هم نمره آخرین نفر پذیرش شده از بیرون، معادل رتبهٔ عدد پذیرش ما می‌باشد.

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان؛ جناب آقای دکتر آژهای

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما.

من به نمایندگی از دانش‌آموزان مرکز فرزندگان... در حالی این نامه را می‌نویسم که واقعاً از بی‌مسئولیتی و بی‌مدیریتی کادر آموزشی این مرکز خسته شده‌ام نه تنها من، بلکه تمام هم مدرسه‌ای‌هایم هم خسته شده‌اند.

من در سال اول دبیرستان هستم و دورهٔ راهنمایی خود را نیز در مرکز راهنمایی فرزندگان... گذرانده‌ام و هیچ وقت به یاد ندارم که مشکلی در مورد مدرسه، دبیران و سایر مسائل پیش بیاید. سرکار خانم... مدیر راهنمایی مدیریت بسیار خوبی داشتند و همیشه بر اوضاع مدرسه تسلط داشتند و به حق باید بگویم دبیرانی که برای تدریس در این مرکز می‌آوردند واقعاً از هر لحاظ خوب بودند. اما اکنون که به دبیرستان آمده‌ام اوضاع فرق کرده است. مدیر دبیرستان ما خانم... هیچ نظارتی بر اوضاع مدرسه ندارد و همهٔ کارها را به دو معاون سپرده که البته هر دو معاون نیز با دانش‌آموزان بسیار بُح هستند برای نمونه: روزی کلاس فوق‌العاده کامپیوتر گذاشتند که آن روز، آخرین روز از سال بود که به مدرسه می‌آمدیم و اکثریت دانش‌آموزان برای فوق‌العاده نمانده بودند (جلسات کامپیوتر پیش از آن در روز دیگری برگزار می‌شد که مدرسه با نظر خود آن را تغییر داده بود) و فقط ۴ نفر بودند که یکی از معاونان آنها را هل می‌داد و نمی‌گذاشت به خانه بروند و می‌گفت: فوق‌العاده حتماً باید با همین چهار نفر تشکیل شود، آنها که خانواده‌هایشان از فوق‌العاده اطلاعی نداشتند منتظر دبیر ماندند. دبیر آمد و گفت که با ۴ نفر نمی‌شود فوق‌العاده تشکیل داد اما باز هم معاون اجازه نداد و آن فوق‌العاده در کمال بی‌کاری و وقت‌گذرانی گذشت تا حرف معاون‌ها به کرسی بنشیند. از آن گذشته دبیرانی که برای تدریس به این

مدرسه می‌آورند به جز دو سه تا، بقیه، نا کارآمد هستند. برای نمونه دبیر فیزیک ما به جرأت می‌توانم بگویم بسیار بی‌سواد است زیرا در درس دادن، سؤال طرح کردن، سؤالات امتحان را حل کردن، پاسخ دادن به سؤالات دانش‌آموزان بسیار ضعیف است. به طوری‌که موقع درس دادن و یا تمرین حل کردن عملکرد دانش‌آموزان از او هم بهتر است. شاید باور نکنید اما این دبیر حتی فرمول چگالی را که در سال اول راهنمایی خوانده‌ایم اشتباه می‌گوید.

باقی دبیران هم که اغلب بی‌تجربه‌اند یا آفتاب‌پرند که فراموش می‌کنند که جلسه قبل درسی نداده‌اند، بعضی دبیران این سازمان را با حرف هایشان زیر سؤال می‌برند. مثلاً می‌گویند که: شما اصلاً نیازی ندارید خارج از کتاب چیزی بدانید در راهنمایی هم اشتباه کرده‌اند که مطالب دبیرستان را به شما درس داده‌اند.

آقای اژه‌ای، خدا شاهد است که ما در این مدرسه امکانات اولیه آموزشی را هم کم داریم. برای نمونه صندلی‌هایی که روی آنها می‌نشینیم هم نسبت به تعداد دانش‌آموزان کم است. به طوری که هر دانش‌آموزی یک روز غیبت کند فردا نباید می‌بیند صندلی‌اش نیست چون آن را کس دیگری که صندلی نداشته برده است. اکثر روزها وضع به همین صورت است و اغلب روزها دانش‌آموزانی هستند که به دنبال یک صندلی اضافه از این کلاس به آن کلاس می‌روند به طوری که هر روز باید چند نفر در مدرسه غایب باشند تا همه صندلی داشته باشند. خود صندلی‌ها هم کوچک و طوری ساخته شده‌اند که وقتی می‌خواهیم از روی آنها بلند شویم با زور می‌توانیم این کار را بکنیم چون دسته‌ای که کتابهایمان را روی آن می‌گذاریم اصلاً تکان نمی‌خورد. در ضمن دوم‌ها وضع بدتری دارند چون مدرسه، دانش‌آموزان ریاضی فیزیک و تجربی را با هم ادغام کرده چون هم تعداد کلاس‌ها کم است هم اینکه دبیران کمتری را مورد استفاده قرار دهد و هزینه کمتر شود (معلوم نیست آن همه پولی که در اول سال تحصیلی از ما می‌گیرند به کجا می‌رود) اما من شخصاً یک بار به کلاس دوم‌ها رفتم و دیدم که آنقدر در این کلاس آدم چپانده بودند که جا نداشت که کسی راه برود. مسلماً یادگیری در این چنین کلاسی مشکل است. در ضمن همه درس‌های ریاضی فیزیک و تجربی یکی نیستند پس در نتیجه تعدادی از ساعات را دانش‌آموزان ریاضی فیزیک و تعدادی را هم تجربی‌ها بی‌کار هستند.

برای اردو هم که هنوز ما را در سطح شهر هم به جایی نبرده‌اند علی‌رغم اینکه از مهر ماه دو اردو به شهرهای... و... را تدارک دیده بودند اما کاملاً فرمالیته بود چون هنوز با گذشت ۷ ماه، ما را جایی نبرده‌اند و مدام زمان اردوها را تمدید می‌کنند. یک بار که واقعاً اقتضای شد به بچه‌ها گفتند که فردا شما را به اردو می‌بریم بچه‌ها همه آماده بودند و تا ساعت ۱۰ در حیاط مدرسه (با غذاها و وسایلشان) ایستاده بودند و آن موقع متوجه شدیم که مدرسه هنوز مسجوز از آموزش و پرورش نگرفته و البته

آموزش و پرورش مجوز هم ندارد. در نتیجه اردو در نهایت بی‌رحمی لغو گردید.
 خلاصه اگر می‌بینید از مدرسه ما دانش‌آموزی المپیاد قبول می‌شود یا در کنکور نتیجه خوبی کسب می‌کند فقط به علت تلاش آن دانش‌آموز و البته معلمان خصوصی‌اش است. چون مدرسه ما هم اکنون با بحران آموزشی روبروست.

یک پیشنهاد هم در مورد دروس دانش‌آموزان تیزهوشان داشتم. خواهش می‌کنم سطح آموزشی را در تمام مراکز کشور یکسان کنید حداقل به دبیرانی مانند فیزیک، شیمی و زیست سر فصل و حد و حدود تدریس دهید چون واقعاً دبیرانی که در مدرسه ما تدریس می‌کنند نمی‌دانند باید تا چه اندازه خارج از کتاب بگویند. وقتی که تمام مراکز هم سطح نیستند چه طور می‌توانید امتحان هماهنگ کشوری بگیرید؟؟؟ که در این مواقع همیشه سطح مدرسه ما پایین است به طوری که برای مثال در امتحان فیزیکی که قبلاً سمپاد کشوری برگزار شده بالاترین نمره ۱۴ از ۲۰ بوده است و نمره‌ها را روی نمودار برده‌اند. در ضمن در درسی مثل ریاضی هم ما عقب‌تریم چون دانش‌آموزان فرزاتگان تهران هندسه می‌خوانند و ما نمی‌خوانیم. در مدرسه ما مباحثی مانند الگوریتم تقسیم حذف شده که مدارس دیگر آن‌ها را می‌خوانند (حداقل ما از این دو درس اطلاع داریم) از آن گذشته ما ساعت درسیمان کمتر است و تا ساعت ۱۲:۳۰ مدرسه هستیم (و سه روز در هفته تا ۲:۳۰ فوق‌العاده) ولی مدارس دیگر تا ساعت ۱۷ مدرسه هستند. یعنی ۲۷ ساعت بیشتر از ما که خود چیز کمی نیست. البته ما انتظار نداریم با گرمای بیش از اندازه شهرمان تا عصر مدرسه باشیم ولی می‌خواستیم بگویم که در ۲۷ ساعت هزاران مطلب می‌تواند تدریس یا تفهیم شود که در مدرسه ما نمی‌شود.

در آخر از زحمات شما و همکارانتان کمال تقدیر و تشکر را دارم و خواهش می‌کنم به مشکلاتمان رسیدگی کنید. و نگذارید حق ما دانش‌آموزان بیش از این خورده شود. امید ما دانش‌آموزان بعد از خداوند متعال به شما و یاری‌تان است.

یا تشکر

دانش‌آموزی از مرکز متوسطه فرزاتگان ...
 ۱۳۸۶/۱/۲۴

● استعدادی در خنان: جدا از مجتهدی رئیس سازمان آموزش و پرورش استان شما، چند نکته لازم به تذکر است. اول اینکه به این شایعات که در تهران تا ساعت ۱۷ و مجموعاً ۲۷ ساعت اضافه تدریس هست گوش ندهید. دوم اینکه انتخابات هماهنگ از روی کتب رسمی و جزوه‌های کمک آموزشی است که از تهران تا زابل و از هوز تا گنبد یکسان است. سوم در مورد تراکم دانش‌آموز در کلاس، عمدتاً به خاطر تعداد کم داوطلبان تجربی در مراکز سمپاد است و اگر نه بین ۳۲ تا ۴۰ نفر میانگین دانش‌آموزان سمپاد در یک کلاس دبیرستانی است. جز اینکه تجربی ماکم باشد و کلاس‌های ریاضی تراکم بیشتری پیدا کند که این هم اگر در تغییرات نظام آموزش و پرورش رفته تحصیلی از اول دبیرستان مشخص شود این مسئله هم قابل حل است.

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر اژهای
رئیس سازمان استعدادهای درخشان

با سلام

اینجانب ف.م. کارمند دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، فرزندم در امتحانات «مؤسسه علمی نخبگان» آزمون داده و با بهره‌مندی ۱۳۱ اجازه ثبت‌نام در این مؤسسه را به‌دست آورده‌ام ولی با توجه به میزان حقوقم توانایی مالی برای ثبت‌نام فرزندم در این مؤسسه را ندارم. هم من و هم خودم بسیار مایل می‌باشیم در این کلاسها شرکت کنیم لذا از جنابعالی تقاضا دارم در صورت امکان با اینجانب همکاری بفرمایید.

با تشکر فراوان

ف.م

● استعدادی درخشان: این هم نمونه‌ای از شایستگی‌های نخبگی و سرکشیه کردن فرزند این عزیز اصولاً معلم پایه دوم را منتهی به تحصیلی ۱۹ نیست، یعنی در کشور سپاس‌دهی می‌تواند شرکت کند ولی شرکت بساز و بفروش (آکادمی علمی نخبه) او صد ها نفر را به نخبگی ریالی منتوع ساخته و ایشان دلیل مراجعه را این امر اعلام نموده که به او گفته‌اند این مؤسسه مربوط و زیر نظر دکتر اژهای رئیس سپاس است لذا به ریاست سپاس پناه برده است برای تخفیف حق‌الثبت.

☒ ☒ ☒

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد:

☐ اسلامشهر، محمد زماهی و محمد حسین رحیمی ☐ اصفهان، دبیرستان فرزندان امین، خانم انار پرست ☐ اهواز، مرکز فرزندان، مرضیه طرنجی ☐ تبریز، مرکز راهنمایی شهید مدنی، هادی خاندان ☐ تهران، دبیرستان فرزندان، فرارغ تحصیل مرکز ☐ دزفول، مرکز فرزندان، طبع / مادر نگران ☐ شیراز، دبیرستان شهید دستغیب، آقای با تشکر از من نخواهید نامم را ذکر کنیم، مؤداه انشارفر، مهندس غلامرضا الهامی / گروهی از اولیاء ☐ کرمان، مرکز علامه حلی، جمعی از فارغ التحصیلان ☐ گنبد کاووس، مرکز فرزندان، امضاء محفوظ ☐ مشهد، مرکز فرزندان ۶، دانش آموز مرکز.

☒ ☒ ☒